

حوزه‌های ساماندهی و بازسازی پس از سانحه

منابع موجود

برقراری تعادل میان پاسخ‌دهی به نیازها از یک سو و منابع موجود از سوی دیگر از موارد حساس در همه مراحل فعالیت‌های پس از سانحه است. در حالی که مرحله امداد ممکن است امکانات فراوانی را در سطوح ملی و بین‌المللی به خود اختصاص دهد، مراحل ساماندهی و بازسازی نمی‌توانند سهم زیادی از امکانات را جذب کنند. از این رو، اولویت‌بندی نحوه و نوع سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های گوناگون اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا منابع مالی غالباً محدود هستند.

در مورد سوانح با قدرت تخریبی شدید نه فقط تمامی بخش‌ها، بلکه استانداری‌ها، شهرداری‌ها و سایر مراکز نیز برای دریافت هر چه بیشتر بودجه از دولت تلاش می‌کنند. وجود یک گروه قوی با رهبریت اداری منسجم، در این مرحله، برای جلب توجه مقامات ملی و بین‌المللی می‌تواند بسیار موثر باشد. همچنین میزان آمادگی در جامعه و توانایی تحمل یک سانحه و تخصص‌های فردی-گروهی به کاهش هزینه‌های بازتوانی کمک می‌کند. باید اذعان داشت که پس از یک سانحه مخرب وابستگی جوامع به نیروهای خارجی (مانند مقامات محلی، حکومت‌های مرکزی، اهدا کنندگان بین‌المللی) می‌تواند عاملی در جهت تضعیف کنترل‌های داخلی و تاخیر در فرایند بازتوانی باشد. در ضمن، این احتمال نیز وجود دارد که جوامع کوچک که تخریب‌های سنگینی متحمل شده‌اند، استقلال خود را از دست بدهند و نهایتاً به خارج وابسته شوند. بنابراین، باید توجه داشت که ایجاد راه و روش‌هایی به منظور افزایش توانایی‌های محلی و پذیرفتن پیامدهای سانحه و تلاش در جهت خودکفایی یا خود باوری امری الزامی است. در امداد رسانی نه تنها باید از انجام امور موازی پرهیز کرد، بلکه باید از وارد کردن منابعی که در داخل قابل دسترس هستند اجتناب ورزید. مشورت و تبادل نظر با گروه‌های محلی و آسیب‌دیدگان امری ضروری است، زیرا ممکن است آنچه که از دیدگاه اهدا کنندگان و مقامات امری مهم تلقی می‌شود، از نظر افراد محلی و بازماندگان در اولویت قرار نداشته باشد.

در این مورد، نقش کمک‌های خارجی باید به دقت شناسایی شود و نقاط قوت و ضعف جامعه به منظور بسیج کلی منابع اضطراری تعیین گردد. در نتیجه، منابعی که در سطوح محلی و ملی در دسترس نیستند، مشخص خواهند شد. بر اساس تجربیات قبلی بازسازی، منابع زیر غالباً مورد نیازند:

- سرمایه و تبیین راهکارهای مقتضی برای هدایت آن به سوی بازماندگان و بخش‌های مربوط

وقوع سانحه در مقیاس کلان اغلب موجب تورم، عدم موازنه پرداخت‌ها، بالا رفتن هزینه‌ها و کمبود منابع مالی می‌شود. اختلال در فعالیت‌های اقتصادی، تعلیق در وضعیت جهانگردی برخی کشورها و تاخیر در اجرای برنامه‌های توسعه، از عوامل اثرگذار به شمار می‌آیند. بسیج منابع عمومی کشور، جهت‌دهی سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، تخصیص اعتبارات و گرفتن وام از بانک‌ها و سایر دستگاه‌های مالی و منابع بین‌المللی و تدوین سیاست‌های مالیاتی ویژه از مواردی هستند که به حل این معضل کمک می‌کنند. به گردش در آوردن سرمایه‌ها، اعطای امتیازات و جوایز و سرمایه‌گذاری‌های ناشی از درآمدها، از روش‌های مناسب مالی و برنامه‌های بلند مدت تلقی می‌شوند. در عین حال، توان بازپرداخت وام توسط آسیب‌دیدگان و محدودیت‌های جوامع فقیر نیز باید مدنظر قرار گیرد. تخصیص وام بدون بهره به کشاورزان برای اصلاح بذر در مناطق شدیداً آسیب دیده می‌تواند به بازتوانی سریع منطقه کمک کند.

- مصالح ساختمانی برای احداث سرپناه‌های موقت و دائمی، زیرساخت‌ها، تاسیسات بهداشتی و غیره

نیاز فراوان به مصالح ساختمانی و ماشین آلات و تجهیزات لازم در پی وقوع سانحه باعث کاهش تولید و مشکلات حمل و نقل می‌شود و معضلات خاصی در پی دارد. در بسیاری از اوقات رعایت ضوابط ایمنی در ساختمان سازی و زیرساخت‌ها نیاز به مصالح ویژه‌ای دارند که در منطقه یا کشور آسیب دیده یافت نمی‌شوند. در برنامه‌های ساماندهی و بازسازی باید میزان در دسترس بودن مصالح مورد نیاز به عنوان بخشی از

فرایند ارزیابی نیازها در نظر گرفته شود و استفاده از مصالح محلی و ملی باید تا حد امکان در اولویت قرار گیرند. لازم است واگذاری وام و سایر امتیازات اعتباری به منظور ارتقای قدرت تولید محلی مورد توجه قرار گیرد، زیرا این امر به باز توانی اقتصادی منطقه کمک خواهد کرد. در این صورت، مدیریت تهیه و توزیع و کنترل کیفیت نیازمند یک ساماندهی موثر است. وارد کردن مصالح جدید از بازارهای بین‌المللی باید فقط به آن دسته از ابزار، مصالح و فناوری که امکان تهیه آنها در داخل وجود ندارد، محدود شود. در غیر اینصورت، تعمیر و نگهداری بلند مدت آنان مشکلاتی به همراه خواهد داشت. غالباً تولید کنندگان با ایجاد بازار سیاه باعث افزایش نرخ مصالح مورد نیاز می‌شوند و مدیریت بازسازی را با مشکل تامین مواد رو به رو می‌سازند.

- تجهیزات و ابزار جهت پاکسازی معابر، تعمیرات، حمل و نقل کالاها، بازتوانی تاسیسات بهداشتی، کشاورزی و غیره

در صورت وقوع حادثه، به ابزار و تجهیزات ساده و پیچیده کاملاً نیاز فراوان است. تهیه ابزارهایی برای حفر گودال، آوار برداری و غیره و تخصیص اعتبار برای خرید این ماشین آلات به رشد خودکفایی در سطح منطقه کمک خواهد کرد. به طور همزمان، میزان توانایی استفاده از تجهیزات موجود وزارتخانه‌های گوناگون و دیگر بخش‌ها در منطقه آسیب دیده باید بررسی شود. همکاری و تشریک مساعی در نحوه استفاده از این منابع و اولویت‌بندی آنها اثرات مثبتی بر روند بازسازی خواهد داشت.

- نیاز فوق‌العاده به منابع انرژی و نیرو برای حمل و نقل، ارتباطات و تولیدات صنعتی هنگام شرایط بحرانی

تخریب تسهیلات زیربنایی و نیروگاه‌های مولد انرژی مهمترین معضل را هنگام سانحه به وجود می‌آورند. کمبود نیروی برق در هنگام اضطراب در فعالیت‌های ساماندهی و بازسازی وقفه ایجاد می‌کند. اگر این معضل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بهتر است از مصالح و منابع محلی برای ایجاد تسهیلات استفاده شود که راه حل مناسبی است. باید در نظر داشت که ادامه وابستگی به پشتیبانی‌های خارج در طول دوره بازسازی مشکلات بلند مدت متعددی به همراه خواهد داشت.

- زمین لازم برای ساخت و ساز ممکن است بسیار گران باشد یا موجود نباشد

هنگامی که یک مجتمع زیستی بر اثر سانحه‌ای (رانش زمین، آتشفشان، سیل) دچار تخریب کلی شده و غیر قابل استفاده شود، یافتن زمین جایگزین به معضلی تبدیل خواهد شد. به دلیل تراکم جمعیت و استقرار امنیت زیستی معمولاً جا به جایی مردم امری اجتناب ناپذیر است، ولی یافتن یک زمین امن و مناسب همواره مقدور نیست. اگر چه احداث آب‌بندها و مرتفع ساختن زمین‌های مسکونی هنگام سیل می‌تواند راه-حل‌های مناسبی باشد، اما انجام این برنامه‌ها نیازمند نیروهای کارآمد است و زمان زیادی طلب می‌کند. محفوظ داشتن مالکیت‌های زمین و در عین حال کاهش تراکم جمعیت، به خصوص در مناطق شهری گران قیمت، از نظر سیاسی قابل تعمق است و نیل به آنها غالباً میسر نیست. اجاره کردن زمین‌های دولتی و اراضی عمومی و استقرار نیروگاه‌های اضطراری برق ممکن است بخشی از فشار را کاهش دهد.

- منابع انسانی برای برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای مراحل ساماندهی و بازسازی

در مواقعی که میزان خسارت بالاست، نه تنها به نیروهای فنی بلکه به کارگران ماهر و غیرماهر نیز نیاز فوری است و وجود انبوه آسیب دیدگان به این فقدان دامن می‌زند. در سطح محلی مرگ اعضای خانوارهای آسیب دیده امکان بازتوانی فوری را برای بازسازی خانه‌ها کاهش می‌دهد. مرگ و میر افراد متخصص و نیروهای اداری در روند تصمیم‌گیری و بازسازی ایجاد وقفه می‌کند و این فقدان باعث بروز مشکلاتی در وضعیت منابع انسانی می‌شود. غالباً بهره گرفتن از افراد فنی به ویژه کارشناسان بهداشت در دوران ساماندهی توصیه می‌شود.

از جانب دیگر، بازسازی طولانی مدت، چنانچه با آموزش و ترویج همراه باشد، می‌تواند به شکوفایی توانایی‌ها و مهارت‌ها منجر شود. این امر یکی از دلایلی بود که بعد از جنگ ایران (با عراق) برخی کارشناسان از سیاست طولانی شدن فرایند بازسازی حمایت کردند.

بنابراین، اولویت استفاده از منابع انسانی به جمعیت آسیب دیده محلی اختصاص داد و فقط در صورت محرز شدن نیاز به نیروهای متخصص و ماهر و خلأ وجودشان در منطقه می‌توان آنان را از خارج منطقه دعوت کرد.

- اطلاعات مفید و کافی برای اقدام

اطلاعات موثق کیفی و کمی در مورد میزان تخریب، تلفات، زیان‌ها، منابع محلی و بین‌المللی، خطرات آینده و برنامه‌های توسعه از پیش نیازهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی هستند که تأثیرات عمده‌ای در مقیاس، شکل و زمان فعالیت‌های ساماندهی و بازسازی می‌گذارند. اگر اطلاعات به صورت منطقه‌ای تهیه شوند، یک سیستم مرکزی مقبول و توانمند می‌تواند کیفیت کنترل را افزایش دهد و در عین حال سبب ارتقای اطلاعات موجود شود. نحوه و میزان جمع‌آوری علمی گزارش‌ها، توسعه روند عملیات آموزش نگهداری و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی، سرمایه‌گذاری‌های با ارزشی در مناطق پر خطر محسوب می‌شوند.

- ساختارها و سازمان‌های اداری ویژه فعالیت‌های ساماندهی و بازسازی

ادارات محلی، جمعیت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی محلی، پیش از سانحه، به گونه‌ای چشمگیر می‌توانند در بازتوانی فوری فعال باشند. مادامی که سانحه، کاتالیزوری برای همبستگی بیشتر در برخی موقعیت‌ها محسوب می‌شود، جوامع و سیستم‌های اداری ناهماهنگ در قبل از سانحه، قادر نخواهند بود با اثرات مخرب و نیازهای ناشی از موقعیت سانحه مقابله کنند.

علاوه بر این، اکثر دستگاه‌های دولتی به گونه‌ای فشرده با کارمندانی فراوان انواع وظایف پس از سانحه در طول یک دوره زمانی را به عهده می‌گیرند. ایجاد ساختار جدیدی با هدف آموزش و به کارگیری کارمندان بیشتر باعث کاهش فشار روانی ناشی از کار خواهد شد. هماهنگی با سایر دستگاه‌های دولتی به منظور پشتیبانی پیمانکاران بخش خصوصی می‌تواند در اخذ بیشتر منابع انسانی موثر باشد. سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های داوطلب نیز مکمل بخش خدمات‌اند و موجب تقویت و خودباروی جامعه خواهند شد. باید به خاطر داشت که مجموعه فعالیت‌های بازسازی غالباً به طور اجتناب ناپذیری در بخش عمومی مطرح می‌شوند.

برنامه‌های پیش از سانحه، به منظور هماهنگی سازمان‌های محلی و روابط میان آنان، که هدف آن تشکیل یک کمیته مرکزی است، با ادغام مصادیق بازتوانی در برنامه‌های آمادگی نهایتاً باعث تقویت فعالیت‌های ساماندهی و بازسازی خواهند شد. همکاری‌های مداوم سازمان‌ها و دولت می‌بایست استمرار یابند و برای تقسیم و تشریک منابع و جلوگیری از دوباره کاری‌ها استفاده شوند.

